



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تاریخ

موضوع:

بررسی چالش‌های اواخر عصر ساسانی با تکیه بر
شورش‌های بهرام چوبین، بستام و شهربراز

استاد راهنما:

دکتر روزبه زرین کوب

استاد مشاور:

دکتر رضا شعبانی

دانشجو:

سینا عزیزی

تیر ۸۸

۱۲۹۴۵۶

این رساله در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۸۸ در ۱۴۰ صفحه
تعداد ۱۹۰۰ نسخه چاپ شده است

۱۳۸۸/۰۴/۲۷

۱۳۸۸/۰۴/۲۷

تعداد صفحات ۱۴۰
تیر ۸۸

تقدیم بہ مادر م

کہ

ہموارہ نستوہ و استوار ماندن در زندگی را بہ من آموخت

بہ پاس دلسوزی ہا و مہربانی ہایش

و ہمچنین بہ خانوادہ ام

کہ

با بود نشان ہمیشہ یاور م بودند.

شکر و قدردانی

در تهنیت و قدردانی از پروفسور حاضر، از زحمات و راهنمایی‌های بی‌شائبه جناب آقای دکتر روزه زرین کوب به عنوان استاد راهنما کمال تقدیر و شکر را دارم. همچنین از جناب آقای دکتر رضا شعبانی به خاطر مشاوره کارگشای خود در حین اجرای پژوهش نهایت سپاس و شکر را دارم.

همچنین ضمن شکر از استاد بزرگوار گروه تاریخ دانشگاه اراک جناب آقای دکتر علی اصغر میرزایی که در طول دوران تحصیل مشوق علمی و اخلاقی برای من بوده و از پیچ‌و‌مخچ‌های دریغ‌نموده اند از خداوند متعال برای ایشان آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون در تمام مراحل زندگیشان را خواستارم.

نخاندان نیز از دوستان خویش در طول دوران تحصیلی کارشناسی ارشد، به خصوص آقایان محبتی کادیانی، حمید منعم و حامد توکلی که در به سرانجام رسیدن این پژوهش مراباری نمودند کمال قدردانی را به عمل می‌آورد.

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه، کلیات تحقیق، بررسی و معرفی منابع

۱ مقدمه	۱-۱
۳ کلیات تحقیق	۲-۱
۳ طرح مسئله	۳-۱
۳ پرسش‌های پژوهش	۴-۱
۴ فرضیه‌ها	۵-۱
۶ پیشینه تحقیق	۶-۱
۸ اهداف تحقیق	۷-۱
۹ نوع تحقیق	۸-۱
۹ روش گردآوری اطلاعات	۹-۱
۱۰ ابزارهای گردآوری اطلاعات	۱۰-۱
۱۰ روش استخراج و طبقه بندی اطلاعات	۱۱-۱
۱۰ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات	۱۲-۱
۱۱ معرفی و بررسی منابع	۱۳-۱
۱۲ منابع دست اول	۱۴-۱
۱۶ منابع دست دوم	۱۵-۱

فصل دوم: زمینه‌های شکل‌گیری شورش‌های بهرام چوبین، بستان و شهرتیراز..... ۲۴

۲۴	اوضاع سیاسی ساسانیان	۱-۲
۲۴	دوره اول	۲-۲
۲۹	دوره دوم	۳-۲
۳۶	اوضاع اجتماعی عصر ساسانی	۹-۲
۴۲	اوضاع اقتصادی ساسانیان	۱۰-۲
۴۳	ضرب سکه	۱۱-۲
۴۴	تجارت و صنعت ساسانی	۱۲-۲
۴۹	نهیضت مزدک	۱۳-۲
۴۹	زمینه های شکل گیری نهیضت مزدک	۴-۲
۵۰	شخصیت مزدک	۵-۲
۵۵	علل و آثار شکست نهیضت مزدک	۶-۲
۵۷	اصلاحات خسرو انوشیروان.	۷-۲
۵۸	ایران پیش از انوشیروان	۸-۲
۵۹	آبادی ویرانی ها	۹-۲
۶۰	بهبود سازمان اداری و مالی	۱۰-۲
۶۱	سازمان نوین سپاه	۱۱-۲
۶۳	داد و دادگستری	۱۲-۲
۶۶	مناسبات ساسانیان با شرق و غرب	۱۱-۲
۶۷	ساسانیان و شرق	۱۲-۲

۷۲ ساسانیان و غرب	۱۳-۲
۷۸ فصل سوم: شکل گیری شورش های بهرام چوبین ، بستام و شهربراز	
۷۸ شورش بهرام چوبین و حکومت هرمزد چهارم	۱-۳
۸۰ نسب بهرام چوبین	۲-۳
۸۱ نبرد بهرام با شابه شاه	۳-۳
۸۴ شکل گیری شورش بهرام چوبین	۴-۳
۹۱ شورش بستام و حکومت خسرو پرویز	۵-۳
۹۲ شکل گیری شورش بستام	۶-۳
۹۶ ادعای شاهی شهربراز	۷-۳
۱۰۰ فصل چهارم: پیامدهای شورش ها و فروپاشی حکومت ساسانی	
۱۰۰ ضعف حکومت مرکزی ساسانی	۱-۴
۱۱۵ کاهش مشروعیت و سزاواری شاهنشاه	۲-۴
۱۲۲ بحران در مساله جانشینی	۳-۴
۱۲۸ فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری	
۱۲۸ نتیجه	۵-۱
۱۳۱ منابع	

چکیده

در سده های پایانی حکومت ساسانی و با پیدایش جنبش مزدک و بر هم ریختن بنیادهای اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی که زمینه های آن از مدت ها پیش فراهم شده بود ، قباد یکم تلاش کرد با انجام اصلاحاتی به این مشکلات پایان دهد اما مرگ او این اجازه را نداد و این وظیفه به دوش خسرو انوشیروان افتاد. با قتل عام مزدکیان توسط انوشیروان این نهضت سرکوب شد. بعد از آن اصلاحات همه جانبه شروع شد. از شواهد امر چنین بر می آید که در آغاز امر اصلاحات به نفع مردم و طبقات پائین جامعه و تلاش برای دمیدن حیاتی تازه در کالبد فرسوده و آسیب دیده اشراف، بزرگان و روحانیان صورت گرفته بود اما بعد از مرگ پدر اصلاحات، مشخص شد این اصلاحات بیشتر برای تقویت نیروی سلطنت و پادشاه بوده است . دوران پادشاهی هرمزد چهارم به خوبی نشان داد که نه تنها مشکلات جامعه همچنان پا بر جاست بلکه تنها این شخصیت نیرومند خسرو انوشیروان بود که اجازه بروز این مشکلات را نمی داده است.

نارضایتی اشراف و بزرگان به دلیل محدودیت هایی که در نتیجه اصلاحات خسرو انوشیروان دامنگیرشان شده بود، شکل گیری شورش بهرام چوبین و به پادشاهی رسیدن وی، با وجود اینکه از خاندان شاهی نبود، مرگ هرمزد چهارم توسط اشراف به خوبی نمایانگر اوضاع نا بسامان جامعه ساسانی در این بُرهه بود. با قدرت گیری خسرو پرویز اوضاع بدتر شد . شورش بهرام چوبین اگر چه سرکوب شد اما نشان داد که مشروعیت شاهنشاه به شدت کاهش یافته است ، این شورش الگویی شد برای شورش های بَستام و شَهَرَبراز . اقدامات خسرو پرویز در کشتن بزرگان کشور مانند بندوی و بستام و به قتل رساندن سرداران بزرگی مانند شاهین و مردانشاه ، از بین بردن دولت حیره که حائل بین عرب های بادیه نشین و ایران بود، شروع دوباره جنگ با روم و تحمیل مالیات های سنگین بر مردم مشکلات جامعه را بیشتر کرد.

جانشینان خسرو پرویز هم افراد بی لیاقتی بودند به طوری که در مدت چهار سال بعد از مرگ او نزدیک به ده نفر به پادشاهی رسیدند. این روند ادامه داشت تا اینکه سرانجام حکومت ساسانی در برابر حمله عرب هایی که از دیدن شکوه دربار ایران متعجب شده بودند دست تسلیم را بالا برد.

فصل اول

مقدمه ، کلیات تحقیق ، معرفی و بررسی منابع

مقدمه

اردشیر بابکان با شکست دادن اردوان چهارم، پادشاه اشکانی، موفق شد سلسله ساسانی را بر پایه هماهنگی دین و مرکزیت امور سیاسی تاسیس نماید. از همان آغاز، اقدام به ایجاد وحدت در سراسر کشور، شاهان ساسانی را با چالش های فراوانی روبرو نمود. آنان علاوه بر چالش های دینی، با چالش های سیاسی برآمده از تلاش های مکرر اشکانیان برای بازگرداندن حکومت برافتاده شان نیز مواجه شدند. زمزمه بازگرداندن حکومت به اشکانیان، حتی به مانی نیز نسبت داده می شد. بعد از شاپور یکم و در طول حکومت پادشاهان ضعیف و ناتوان، زمام پادشاهی در دستان قدرتمند اشراف، بزرگان و روحانیانی قرار گرفت که هر از گاهی مدعی یا مدعیانی را برای مقابله با اقدامات شاه حمایت و پشتیبانی می کردند یا با اتخاذ تدابیر گوناگون، شاهان ناهمگام با خواسته هایشان را بر کنار و دیگری را بر جایش می نشانند.

در سده های پایانی حکومت ساسانی و با پیدایش جنبش مزدک و برهم ریختن بنیادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، که زمینه های آن از مدت ها پیش فراهم شده بود، قباد یکم تلاش کرد ارکان پادشاهی را از گزند و آسیب توطئه های اشراف و روحانیان ایمن نماید. جنبش مزدک، که آموزه هایش از سوی طبقات پایین جامعه به طور عمده مورد قبول واقع و از حمایت کافی برخوردار شده بود، با قتل عام مزدکیان توسط انوشیروان سرکوب شد و اقدام به همین کار برای انوشیروان کافی بود تا بنیانها و شالوده های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی را در طی اصلاحات دامنه دار استوار سازد و به اندیشه های قباد اول در تحکیم پایه های حکومت مرکزی و جایگاه شاه در امپراتوری جامعه عمل پوشد. از شواهد امر چنین بر می آید که در آغاز امر اصلاحات به نفع مردم و طبقات پائین جامعه و تلاش برای دمیدن حیاتی تازه در کالبد فرسوده و آسیب دیده اشراف، بزرگان و روحانیان صورت گرفته بود اما چیزی نگذشت که بعد از مرگ پدر اصلاحات، مشخص شد این اصلاحات بیشتر برای تقویت نیروی سلطنت و پادشاه و استقلال پادشاه در برابر نفوذ بزرگان، اشراف و موبدان، ایجاد درآمد ثابت برای دولت، تضعیف زمینداران درجه اول و تقویت طبقه متوسط جامعه و دهقانان بوده است

تا برای رفع مشکلات مردم. دوران پادشاهی هرمزد چهارم به خوبی نشان داد که نه تنها مشکلات جامعه همچنان پا بر جاست بلکه تنها این شخصیت نیرومند خسرو انوشیروان بود که اجازه بروز این مشکلات را نمی‌داده است.

نارضایتی اشراف و بزرگان به دلیل محدودیت‌هایی که در نتیجه اصلاحات خسرو انوشیروان دامنگیرشان شده بود، شکل‌گیری شورش بهرام چوبین و به پادشاهی رسیدن وی، با وجود اینکه از خاندان شاهی نبود، مرگ هرمزد چهارم توسط اشراف به خوبی نمایان‌گر اوضاع نابسامان جامعه ساسانی در این برهه بود. با قدرت‌گیری خسرو پرویز اوضاع بدتر شد. شروع دوباره جنگ با روم و هزینه‌های سنگین آن و به قتل رساندن سرداران بزرگی که در جنگ با روم پیروزی‌های بزرگی به دست آورده بودند و خوش‌گذرانی در حرمسرا بر وخامت اوضاع افزود. شورش بهرام چوبین اگر چه سرکوب شد اما نشان داد که مشروعیت شاهنشاه به شدت کاهش یافته است، علاوه بر آن شورش بهرام چوبین، الگویی شد برای شورش‌های بستام و شهربراز. اقدامات خسرو پرویز در کشتن بزرگان کشور مانند بندوی و بستام و به قتل رساندن سرداران بزرگی مانند شاهین و مردانشاه، از بین بردن دولت حیره که حائل بین عرب‌های بادیه‌نشین و ایران بود، شروع دوباره جنگ با روم و تحمیل مالیات‌های سنگین بر مردم مشکلات جامعه را بیشتر کرد و نشان داد که جامعه از درون بیمار است و با کم‌ترین ضربه خارجی می‌تواند از پای درآید.

جانشینان خسرو پرویز هم افراد بی‌لیاقتی بودند که توسط اشراف بر سر کار می‌آمدند و بعد از مدت کوتاهی برکنار می‌شدند و به قتل می‌رسیدند، به طوری که در مدت چهار سال بعد از مرگ او نزدیک به ده نفر به پادشاهی رسیدند. این روند ادامه داشت تا اینکه سرانجام حکومت ساسانی در برابر حمله عرب‌هایی که از دیدن شکوه دربار ایران متعجب شده بودند دست تسلیم را بالا برد.

کلیات تحقیق

طرح مساله:

به دنبال آشوب هایی که در زمان حکومت پیروز و قباد اول به وقوع پیوست و پس از اینکه مزدک با آوردن اندیشه های جدید، خواهان اصلاحات در ارکان اجتماعی، اقتصادی و دینی جامعه ساسانی شد، زمینه هایی فراهم شد تا جانشین قباد، خسرو انوشیروان، اصلاحاتی را که پدرش مد نظر داشت به اجرا گذارد. در واقع این جنبش مزدک بود که امکان چنین امری را فراهم آورد. در ابتدای امر اصلاحات، دمیدن روح تازه ایی در کالبد فرسوده حکومت بود که به واسطه آن شاهنشاهی ساسانی به اقتدار فراوانی دست یافت. اما زمانی کوتاه پس از مرگ پدر اصلاحات یا هم‌زمان با حکومت وی، شرایطی بروز کرد که پیامدهای خاموش اصلاحات بود. اگر شورش انوشک زاد پسر وی را به حساب نیاوریم، نخستین این پیامدها، که به شدت خود را نشان داد، شورش جنگجویان به رهبری بهرام چوبین بود که خود الگویی شد برای شورش های بستام و شهربراز. این شورش ها نیز خود موجب بروز پیامدهایی برای حکومت ساسانی شدند. از این رو این پژوهش بر آن است تا با بررسی علل و عوامل بروز شورش های بهرام چوبین، بستام و شهربراز و تاثیر آنها بر جامعه ساسانی و نقش آنها در روند فروپاشی حکومت ساسانی، به بررسی چالش های پایانی این حکومت بپردازد.

پرسش های پژوهش

به منظور بررسی مساله لازم است که ابتدا به پرسش های زیر که از یک پرسش اصلی و چهار پرسش فرعی تشکیل می شود، پاسخ داده شود. این پرسش ها عبارتند از:

پرسش اصلی:

چه علل و عواملی باعث بروز شورش های پایانی حکومت ساسانی شد و این شورش ها چه پیامدهایی داشت؟

پرسش های فرعی:

۱- آیا شخصیت خسرو انوشیروان در بروز این شورش ها تاثیر داشت؟

۲- آیا اصلاحات خسرو انوشیروان و پیامدهای آن در بروز این شورش ها نقش داشت؟ اگر چنین بود،

دیدگاه طبقات گوناگون جامعه نسبت به اصلاحات و شورش ها چه بود؟

۳- پادشاهان ساسانی از هر مزد چهارم تا بوران دُخت در شکل گیری شورش ها چه نقشی داشتند؟

۴- این شورش ها چه تاثیری در روند فروپاشی حکومت ساسانی داشت؟

فرضیه ها

فرضیه اصلی :

به نظر می رسد که در شکل گیری این شورش ها اصلاحات خسرو انوشیروان، شخصیت پادشاهان بعد از وی و عدم لیاقت و کارایی و اشتباهات آنها در شکل گیری این شورش ها نقش داشته و خود شورش ها هم در روند سقوط دولت ساسانی تاثیری غیر مستقیم داشتند.

فرضیه های فرعی:

۱- در پاسخ به این پرسش باید بگوییم که ظاهراً شخصیت خسرو انوشیروان تاثیری بسزا داشته است، زیرا شخصیت خسرو انوشیروان و ساختار اصلاحات پیوند ناگسستنی با یکدیگر داشتند و اصلاحات تا حدود زیادی برآمده از شخصیت قدرتمند وی بود.

۲- به نظر می رسد اصلاحات خسرو انوشیروان که بر اساس تغییر در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و نظامی بنا شده بودند، تاثیر زیادی در این امر داشتند. درست است که اصلاحات در ابتدای امر به منظور پاک کردن ویرانی های حاصل از جنبش مزدکیان و دمیدن نیروی تازه در کالبد اشرافیت و دستگاه آسیب دیده روحانیت زردشتی، به اجرا گذاشته شدند، اما هدف اصلی خسرو انوشیروان افزایش قدرت شاه و پادشاهی در برابر همین نیروهای پیشتر آسیب دیده و اکنون جان گرفته بود. از همین رو، از لحاظ نظامی، با تشکیل سپاهی دولتی که مستقیماً از دیوان مرکزی مقرر می گرفت و ساز و برگ جنگی اش را این دیوان تامین می کرد، عملاً نیروی نظامی اشراف زمیندار که پیشتر بخش اصلی نیروی نظامی حکومت را تشکیل

می دادند، کنار گذاشته شد و این جریان، در واقع آنها را از داشتن یک نیروی نظامی فعال بی بهره نمود. به همین دلیل با مرگ پدر اصلاحات، اشراف زمیندار نظامی تلاش نمودند تا به ساختار کهن بازگردند و دوباره در امور نظامی و سیاسی نقش اصلی را بازی کنند. از طرف دیگر، از لحاظ مالی نیز با گسترش قشر دهقانان که به عقیده برخی از فرزندان بازمانده اشراف آسیب دیده از جنبش مزدکیان تشکیل شده و وابسته به شخص انوشیروان بودند، عملاً نیروی مالی از اختیار اشراف نظامی زمیندار گرفته شد و به دست این نیروی جدید سپرده شد. در جامعه ساسانی خاندان‌های بزرگ هر کدام دارای نیروی نظامی خاص خود بودند که در مواقع لزوم این نیرو در اختیار دولت قرار می گرفت. این نیروی جدید به جای اشراف کهن زمیندار دست اندر کار گردآوری و وصول مالیات به دربار مرکزی بود و از بابت خدمتی که می کرد از طرف شخص شاه زمین و مقررری دریافت می نمود. به همین دلیل اشراف از نظر مالی نیز متضرر شده بودند و طبیعی بود که در پی بازگشت به دوران اقتدار خود باشند. در این بین ظاهراً روحانیان نیز با وجود کسب اعتبار و جایگاه از دست رفته خود در طی جنبش مزدکیان، با مرگ خسرو انوشیروان عملاً از زیر سلطه یک شاه قدرتمند خارج شدند و در طی دوران ضعف حکومت هرمزد چهارم، کوشش نمودند تا دوباره بر شاه مسلط شوند. از این رو، با وجود بزرگداشت نام خسرو انوشیروان در آثارشان، سعی نمودند مانع از تسلط جانشینان وی بر خود شوند.

۳- به واسطه خلاء بحران زایی که پس از مرگ شخصیت قدرتمند حکومت ساسانی (خسرو انوشیروان) به وجود آمد، چنین می نماید که شاهان جانشین وی یعنی هرمزد چهارم و خسرو پرویز از چنان شخصیت قدرتمندی برخوردار نبودند یا حتی اگر بودند، نیروهای تاثیرگذار در جامعه ساسانی، دیگر آنها را به مانند خسرو انوشیروان تلقی نمی کردند. به ویژه هرمزد چهارم که حتی از تبار مادری وی نیز به بدی یاد می کردند و او را ترک زاد می گفتند. از این رو، هرمزد چهارم که می خواست مانند پدرش بر بزرگان و روحانیان مسلط باشد، با شدت عمل خود در برابر آنها، دشمنی طبقات بالا را برانگیخت و پس از واکنش او نسبت به پیروزی های بهرام چوبین نه تنها حمایت بزرگان و روحانیان را از دست داد

بلکه با شورش وی، فرصت عمل را نیز در اختیار مخالفان سرسخت خود قرار داد. خسرو پرویز نیز ظاهراً مانند پدرش هرمز، وجود اشخاص قدرتمندی چون بستام و بندوی را مانع بر سر راه قدرتمند تر شدن خود می دید به همین دلیل پس از پایان بخشیدن به غائله بهرام چوبین، این قدرت را در خود احساس کرد که می تواند در ابتدا برای محدود کردن قدرت بزرگان و اشراف، از کسانی شروع کند که به او از همه نزدیکترند و این می توانست تاثیری دو چندان در خصوص رفتار دیگر اشراف در برابر شخص شاه داشته باشد.

۴- به احتمال فراوان باید مهم ترین پیامد این شورش ها را در جایگاه شاهنشاه و پادشاهی در جامعه جستجو کرد. پس از شورش بهرام چوبین و ادعای وی در جهت نشستن بر تخت پادشاهی که همگان آن را متعلق به خاندان ساسانی می دانستند، چالشی در ارکان حکومت پدید آمد که از آن زمان به بعد شورشیان مدعی که بیشتر از خاندان های قدرتمند بودند، خود را هم چون بهرام چوبین سزاوار به تخت نشینی و پادشاهی دانسته، حق ساسانیان را در این خصوص زیر سوال می بردند. این همان کاری بود که بستام و شهربراز به آن مبادرت کردند. اقدام به چنین کاری، ظاهراً این دیدگاه و اندیشه را که قره ایزدی و به تبع آن پادشاهی تنها به خاندان ساسانی تعلق دارد، در سده پایانی حکومت ساسانی به چالش کشید و همین امر موجب کاهش اعتبار شاه و جایگاه شاهی در نزد طبقات گوناگون شد و آنها بیشتر از آنکه در پی اتحاد و امنیت در کل شاهنشاهی باشند، دل مشغول کسب ثروت و رفاه شخصی و محلی بودند.

پیشینه تحقیق :

درباره تحقیق مورد نظر اثری که صرفاً به بررسی شورش های مورد نظر پرداخته باشد متأسفانه وجود ندارد. اما می توان از چند منبع نام برد که می توان اطلاعات مفیدی در این باره به دست آورد که عبارتند از:

۱- تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان ، تئودور نولدکه ، ترجمه عباس زریاب خوئی:

این اثر گرچه ترجمه بخش ساسانیان تاریخ طبری است اما از آثار مهم دوره ساسانی است که تا قبل از اثر کریستن سن "ایران در زمان ساسانیان" به نوعی می توان گفت که مهم ترین کاری بود که در ارتباط با دوره ساسانیان انجام شده بود. اهمیت این اثر در ارتباط با تحقیق حاضر در این است که به داستان شورش های انوشک زاد، بهرام چوبین و بسطام و در حد کوتاهی شهربراز نیز پرداخته است.

۲- ایران در زمان ساسانیان ، آرتور کریستن سن، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی:

این اثر که شاید بتوان آن را مهم ترین اثری دانست که تا به حال به دوره ساسانیان پرداخته است در ارتباط با تحقیق حاضر علاوه بر نقد و بررسی منابع که در ابتدای کتاب آمده است و بسیار سودمند و مفید است در فصل هایی جداگانه به بررسی نهضت مزدک که به انجام اصلاحات از سوی انوشیروان کمک کرد، دوران سلطنت انوشیروان ، دوره سلطنت خسرو پرویز و انقراض سلسله ساسانی پرداخته که در خلال این مسائل هرچند کوتاه اما مطالبی درباره بهرام چوبین ، بسطام و شهربراز هم بیان شده است .

۳- داستان بهرام چوبین، آرتور کریستن سن، ترجمه منیژه احد زادگان آهنی :

اثر مذکور گر چه بیشتر جنبه داستانی و روایی دارد اما از این جهت که روایات منابع گوناگون را در ارتباط با داستان بهرام چوبین آورده است برای خواننده بسیار مفید و سودمند است و کمک زیادی در جهت آشنایی با منابع در ارتباط با شورش می نماید. نویسنده در این اثر به بیان داستان بهرام چوبین از ابتدا تا مرگ وی پرداخته است البته مطالب کتاب بیشتر به صورت روایی بیان شده است و متاسفانه نویسنده به تحلیل مطالبی که در کتاب نوشته است ، نپرداخته است.

۴- ایران در آستانه یورش تازیان، ا.ای. کولسنیکف ، ترجمه م.ر. یحیایی:

کولسنیکف در این اثر ابتدا به بررسی و معرفی منابع مربوط به دوره ساسانی پرداخته و در ادامه کار به بررسی اوضاع پایانی ساسانیان از زمان هرمزد چهارم تا پایان دوران زمامداری بوران دخت پرداخته است. بخش ابتدایی کتاب که به نقد و بررسی منابع مربوط به دوره ساسانی است در جهت آشنایی با منابع و

ارزش هر کدام از آنها ارزشمند است. در ادامه کولسنیکف که به بررسی اوضاع سیاسی ساسانیان از زمان هرمزد چهارم تا پایان دوره ساسانی پرداخته، به شورش های بهرام چوبین، بسطام و شهربراز پرداخته است. گفتنی است که مطالب این اثر درباره بسطام و شهربراز کوتاه و مختصر است.

اهداف تحقیق:

یکی از دلایل اصلی انجام این تحقیق اهمیت دوره مذکور در تاریخ ایران است که کاری جداگانه و مستقل در این زمینه صورت نگرفته است و دوره مزبور در حد کلیات مورد بررسی قرار گرفته است. در حالی که نمی توان منکر اهمیت بالای این دوره در تاریخ ایران شد. انگیزه اصلی تحقیق در این باره تا حدی بر پایه علاقه شخصی و علاوه بر آن نبود تحقیقی جامع در این باره، اهمیت این شورش ها و نقش آنها در روند سقوط دولت ساسانی بود.

۱- بررسی اوضاع سیاسی پایان دوره ساسانی با تکیه بر شورش های یاد شده.

۲- بررسی اصلاحات خسرو انوشیروان و نشان دادن تاثیرات آن در جامعه و رویکرد طبقات مختلف جامعه به این اصلاحات و عکس العمل آنها در قبال این اصلاحات.

۳- بررسی شورش ها و دلایل شکل گیری و تاثیرات آنها در جامعه و روند سقوط دولت ساسانی.

۴- نشان دادن نقش شاهان معاصر شورش ها و تاثیر عملکرد شان در شکل گیری و شدت و ضعف این نا آرامی ها

ضرورت انجام این تحقیق از آنجا احساس می شود که در بسیاری از منابع، دوره خسرو انوشیروان را دوره اوج ساسانیان می دانند و به ویژه اصلاحاتی را که انجام داده تا حد زیادی بدون توجه به جنبه های منفی آن دستاوردی بسیار بزرگ برای جامعه می شمارند که البته نمی توان منکر تاثیرات مثبت آن شد اما به نظر می رسد که این اصلاحات دارای روی دیگری هم بود که شاید بتوان آن را منشاء و سرآغاز یا جرقه سقوط دولت ساسانی دانست. در این تحقیق تلاش بر این است که با بررسی دقیق اصلاحات خسرو انوشیروان و پیامدهای

آن، جنبه‌هایی را که در شکل‌گیری شورش‌ها و نارضایتی‌های بعضی از طبقات جامعه تاثیرگذار بود و تا به حال کمتر به آن توجه شده است برای خوانندگان و علاقه‌مندان روشن و تبیین گردد.

نوع تحقیق:

این پژوهش به بررسی اوضاع پایانی دوره ساسانی و شورش‌های شکل‌گرفته در این مدت می‌پردازد و سعی شده با به کارگیری این شیوه، ویژگی‌های این دوره، حوادث آن و دلایل بروز این شورش‌ها تبیین گردد. تلاش نگارنده بر این است که از طریق این روش حقایق مربوط به این زمان و حوادث آن از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و صحت و سقم این اطلاعات، ترکیب دلایل مستند و ایجاد ارتباط منطقی بین آنها و عدم دخالت نظریات شخصی و تحلیل‌های غیر منطقی و تجزیه و تحلیل آنها و مقایسه مدارک و شواهد به صورتی منظم و عینی ارائه شود و نتایج پژوهشی قابل دفاع در ارتباط با فرض‌های ویژه تحقیق ارائه گردد.

این تحقیق از نوع مطالعات کتابخانه‌ای است که در آن از منابع دست اول (منابعی که مستقیماً در ارتباط با موضوع هستند) و منابع دست دوم (منابعی که به صورت غیر مستقیم در ارتباط با موضوع هستند) موجود در کتابخانه‌های در دسترس استفاده شده است و از طریق بررسی در این منابع اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده است.

روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات با توجه به نوع تحقیق بیشتر کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی بوده که از طریق بررسی اسناد و مدارک و منابع و به شیوه فیش برداری و بعد از آن تجزیه و تحلیل انجام شده است. سعی بر آن بوده تا از کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات دیگران در حوزه موضوع مورد تحقیق تا حدی که دسترسی به آنها برای محقق ممکن بوده، بررسی و مورد استفاده قرار گیرد.

ابزارهای گردآوری اطلاعات

ابزارهای گردآوری اطلاعات هم بنا به نوع تحقیق شامل وسایل استاندارد می باشد. این ابزارها عبارت اند از: کتاب ، اسناد، مدارک ، مجلات داخلی و خارجی .

روش استخراج و طبقه بندی اطلاعات

در این مرحله از تحقیق برای بازبینی، کدگذاری ، استخراج و طبقه بندی اطلاعات از روش ثبت اطلاعات به طریق فیش برداری و روش ماشینی و تایپ استفاده شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این مرحله بعد از بررسی منابع مربوطه و یادداشت و فیش برداری، ضمن تجزیه و تحلیل مطالب، پژوهش مورد نظر ابتدا به صورت نوشته ای مقدماتی فراهم شده، بعد از بررسی نقاط ضعف و اشکالات موجود در آن، به صورت متنی منظم و قابل فهم که به پرسش های پیش گفته پاسخ گفته باشد، تدوین شود. دلیل استفاده از روش های مزبور بسته به نوع تحقیق است که تحقیقی تاریخی است که روش های تجزیه و تحلیل مناسب با این نوع تحقیق است.

معرفی و بررسی منابع

از مهم ترین مسائلی که در هر تحقیق تاریخی باید به آن توجه شود و اساس کار مورخ و محقق را تشکیل می دهد آشنایی با منابع و ماخذ مربوط به کار وی است. چرا که حوادث تاریخی بیشتر در گذشته اتفاق افتاده و برای آشنایی با آنها باید به منابع مربوطه مراجعه کرد. مورخ باید در ابتدای کار منابع را به خوبی شناخته و به اندازه کافی با آنها آشنایی داشته و بعد از این مرحله با استفاده از دانش خود قادر به تشخیص ارزش و اهمیت آنها باشد و در کار خود از آنها به درستی استفاده کند.

در این نوشته منابع بر اساس زمان حیات نویسندگان به منابع دست اول و دست دوم تقسیم شده است که بر این اساس آثار و منابع دوره ساسانی ، آثار نویسندگان دوره اسلامی به ویژه قرون اولیه اسلام ، منابع ارمنی ارمنی و لاتینی که معاصر حوادث بوده اند جزو منابع دسته اول به شمار آمده اند و منابع نویسندگان اسلامی که اطلاعات بیشتری از نویسندگان معاصر ارائه می دهند جزء منابع دسته دوم محسوب شده اند.

منابع دست اول

۱- منابع پهلوی

کارنامه اردشیر بابکان نام کتابی است به زبان پارسی میانه (پهلوی) که در زمان شاهنشاهی ساسانی نوشته شده است و داستانی است درباره چگونگی به قدرت رسیدن اردشیر بابکان سر دودمان ساسانی. در آغاز کتاب شرح مختصری درباره وضع ایران پس از حمله اسکندر و حکومت اشکانیان ارائه شده است. در ادامه نویسنده به شرح نبردهای اردشیر اول با شاهان محلی می پردازد و بعد به تولد شاپور اول و هرمزد پسر شاپور. بخش مربوط به قدرت گرفتن ساسانیان و اوضاع این دولت در زمان ساسانیان از بخش های مورد استفاده در این تحقیق بود که در جای خود مفید و سودمند واقع شد.

نامه تنسر رساله کوچکی است که توسط تنسر هیربدان هیربد اردشیر اول در پاسخ گشمنسب شاه طبرستان و پدشخوارگر و گیلان و دیلمان و رویان نوشته شده است.^۱ این نامه توسط ابن مقفع از پهلوی به عربی ترجمه شده است که هم اکنون هیچ کدام از این دو متن موجود نیست. ترجمه فارسی آن در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار موجود است. متن این نامه ابتدا توسط دارمستتر و بعداً توسط آقای مجتبی مینوی چاپ شد. متن نامه حاوی مطالب تاریخی، سیاسی و اخلاقی است که به صورت مکاتبه ای بین تنسر و پادشاه طبرستان بیان شده است.^۲ از جمله مطالب مفید این اثر که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت مطالبی است که درباره اوضاع اجتماعی و طبقات در دوره ساسانی وجود داشت. هم چنین مطالبی درباره اقدامات پادشاهان در آن آمده و نوشته های مربوط به تعیین ولیعهد و جانشین در زمان ساسانیان ، بسیار مثر ثمر واقع شد.

دادستان مینوی خرد یا مینوی خرد کتابی به زبان پارسی میانه است که صورت پهلوی و پازند آن و نیز ترجمه هایی به سنسکریت و فارسی کلاسیک (هم نظم و هم نثر) باقی مانده است. این اثر به صورت مجموعه^۳ پرسش هایی است که "دانا" نامی از مینوی خرد (روح عقل) می کند و پاسخ هایی که مینوی خرد به پرسش های

^۱ - احمد تفضلی ، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام ، به کوشش ژاله آموزگار ، تهران ، انتشارات سخن ، چاپ دوم ۱۳۸۳. ص ۲۲۸.

^۲ آرتور کریستن سن ، ایران در زمان ساسانیان ، ترجمه رشید یاسمی ، تهران ، انتشارات ساحل ، چاپ دوم ۱۳۸۰ ص ۴۰.